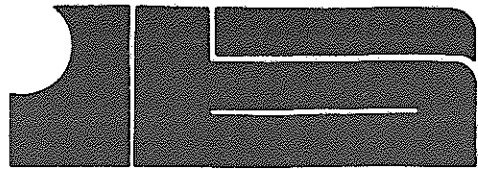


کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



## کربلای ۱ آغاز یک پایان

طی هفته‌های اخیر، نبردهای نیروهای ایران و عراق در منطقه مرزی "مهران" واقع در جنوب غربی کرمانشاه ادامه گرفت و آتش جنگ‌پرانی آفرین و خاشاک‌سوز، بار دیگر شعله‌برگشید. نبرد با حمله ایران در روز چهارشنبه با زدهم سپهر ما که منجر به بازپس‌گیری شهر سوخته، نهران گردید، سه اوج خود رسید و از خود تلفات جانی و مالی بسیاری برای هر دو طرف و بویژه برای ایران بجای گذاشت. بدینسان این نبردها و دربرورهای اخیر، علاوه بر از سرگیری مبارزان مناطق مسکونی در نما مسی جبهه‌ها و بویژه در جزیره مرکب "محنون"، ناهوشیای مرگ با شدت بیشتری به صدا درآمدند.

گرچه در آغاز این مرحله از درگیریها، با اشغال منطقه مهران توسط عراق، تمرکز رژیم جمهوری اسلامی، که در حال نادرک "حمله نیایی" برای "بکسر نمودن جنگ" بود، برای مدتی آرام‌کنند اما این خودسیر مانندیهای برای نواختن نیور "ادامه جنگ" به هر قیمت که هدف رژیم در لحظه کنونی است، عمل نمود. بگذریم از توصیف این نغمه در صفحه ۲

## نقش جنبش سندیکائی در آفریقای جنوبی

مبارزه مردم آفریقای جنوبی علیه رژیم نژادپرست و سیستم حاکم بر این کشور در ماههای اخیر وارد مرحله جدیدی شده است. در راستای این مبارزه، عادلانه، طبقه کارگر آفریقای جنوبی قرار دارد که با تحریک و عزم راسخ و بی‌ناسیل انقلابی عظیم، تا بستگی خود را برای رهبری کل جنبش انقلابی سیاهان به‌تنهایی گذاشته است. اشکال مبارزاتی و تشکل طبقه کارگر در این کشور صورت‌گرفته است و نقشه و تکامل می‌یابد.

"گوسا تو" (کنگره سندیکا های آفریقای جنوبی) به‌تازگی به بزرگترین و مهمترین تشکل کارگری، کفدراسیونی است که از مجموعه ۳۶ فدراسیون سندیکائی تشکیل شده و بی‌شمار کارگر را در بر می‌گیرد. در دوران خود سازماندهی و متحد کرده است. زور اول دسامبر ۱۹۸۵ در کنگره موسس "گوسا تو"، "الحا برای" دبیرسندیکای ملی معدنچیان آفریقای جنوبی (بوم)، توسط ۹۰۰ هیئت نمایندگی کارگری به اتفاق آراء به دبیرکل این کفدراسیون انتخاب شد. وی حدود یک هفته بعد از انتخاب عمومی

۱۶ ژوئن گذشته که لرزه براندام را رودسته، "بوتا" (رئیس جمهور آفریقای جنوبی) و متحدین خارجی اش افکند، دستگیر و زندانی شد. در این اعتصاب که به مناسبت دهمین سالگرد قتل عام ۱۶ ژوئن سال ۱۹۶۷ و نیز در اعتراض به برقراری حکومت نظامی در سراسر آفریقای جنوبی سرانگردد و تصحیح بزرگترین جنبش بوده‌ای تاریخ آفریقای جنوبی نامیده‌شد، "گوسا تو" نقش اساسی و محوری ایفا کرد.

پس از اعتصاب عمومی ۱۶ ژوئن، رژیم نژادپرست در وحشت از اوج‌گیری عملیات توده‌ای اقدامات قدرتمند کارگران و زحمتکشان، به‌تازگی وسیع را علیه آنان به راه انداخت و رهبری سندیکاهای کارگری و در درجه اول "گوسا تو" را آماج حملات خود قرار داد. دستگیری وسیع رهبران سندیکائی آغاز شد. با دستگیری "الیجا برای" یکی دیگر از مبارزان و رهبران "گوسا تو" به نام "جی نیدو" به عنوان دبیر کل انتخاب شد. وی بلافاصله اعلام کرد: "دستگیری جنبش سندیکائی را در این کشور فلاح نخواهد کرد. نغمه در صفحه ۴

## اعتصاب پزشکان

رژیم جمهوری اسلامی که تحمل هیچ نهاد و تشکل غیر "حزب الهی" را ندارد، از مدت‌ها پیش سلاخی می‌کرد سازمان نظام پزشکی کشور را که یک سازمان صافی است و پزشکان ایران صرفاً بر مبنای اهداف سیاسی و راهی احوال اهداف صافی و تنظیم مسائل سیاسی دیگران که نیاز در ارباب با امور پزشکی جمع کرده است، تحت کنترل کامل خود درآورد. تاواند پزشکان کشور را که ملائحت اخبار داده و در خدمت اهداف ارتجاعی و جنگ ارتجاعی و خاشاک‌سوز قرار دهد. اما ندلیل مقاومت پزشکان، رژیم علی‌رغم سما ملاتپایی نواسته بودا ضمن اسلامی‌ترکان را برای سازمان مسلط کرد و در چپای ارتجاعی را بر آن تحمل نماید. طرح لایحه جدید در مجلس که طی آن، سازمان نظام پزشکی ارتجاعی‌سازمان کمالا در خدمت رژیم قرار می‌گیرد، مخالفت پزشکان را برانگیزد و در روز دوشنبه ۲۴ به‌رمانه عنوان رور اعتصاب پزشکان علیه این لایحه مجلس دولتی با دستگیری رئیس سازمان نظام پزشکی رورا اعتصاب یک روز جلوتر - ۲۳ به‌رمانه - بصری است. نغمه در صفحه ۱۱

## فرمان جهاد خمینی و مقاومت خلق کرد

دفا تر و مراکز فعالیت سیاسی علمی نیروهای انقلابی در سراسر کشور بود، خمینی فرمان جهاد علیه خلق کرد را اعلام کرد. سردمداران رژیم نغمه در صفحه ۶

از نخستین روهای فماد همین ماه نامرداد ۵۸، حاکمیت سوبین سیاسی به‌نشوه‌های مختلف سعی کرده بود جنبش انقلابی خلق کرد را میار کرده، سپادهای انقلابی را از سراه خود برداشته و نهادهای ارتجاعی حکومتی را در کردستان مستقر یارد. به‌گلوله ستن مردم مسدج توسط ارتش (سوروز ۵۸)، قتل عام بنفده (اردیبهشت ۵۸)، اعلام حکومت نظامی در میوان (تیر ۵۸)، و... نمونه‌هایی است از نوطه‌های رژیم برای سرکوب خلق کرد در این مدت. بی‌شک ما ندن این اقدامات سرکوب‌گرانه، مرجعین حاکم را به‌سورس سراسری برای سرکوب جنبش انقلابی در کردستان واداشت. مردم ما و به‌عنوان اعتراض به استقرار سروهای با سدار عیسوی در باوه، شهر ارتک کرده و در چند کیلومتری و در محلی به نام "قوری قلعه" دست به‌تحصن زده بودند. رژیم نبره‌های را کرد آورده و با تمام قوا سورش همه‌جانبه برای سرکوب خلق کرد در ۲۵ مرداد آغاز نمود. سه دسال این هجوم وحشیانه در کردستان که هم‌زمان با حمله اوسان و دسته‌های حزب الهی به

در این شماره
آنان موفق نخواهند شد
لهستان در مسیر اصلاحات سوسیالیستی
حمله پیشبرگان
سازمان آزادی کار ایران (فدائی)
به پایگاه دارمه کون

# گر بلای!

بقیه از صفحه ۱

## آغاز یک پایان

منطقه (مهران) توسط سران حاکم‌برایران بس از اشغال آن که "مجرای خالی" و "تیرا تراژیک" خوانده شد تا یوشی برصغ جنگی رژیم با شدولسی با بد توجه نمود که این حملات زمانی رخ می‌دهد که از مدت‌ها پیش سردمداران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با های وهوی تبلیغاتی می‌خواندند و نمود کنند که مشغول آماده کردن خطا برای زدن "حرف آخر" با توسل به "ترکت همه در جبهه ها" برای کسب "پیروزی نهایی" می‌باشند در این رابطه تلاشهای رژیم وارد و در جدیدی شده است. بسیج و ترمکز نیروها و تدارکات نظامی در جبهه‌ها با سرعت و شدت تمام ادامه دارد. در همه جا، رادیو و تلویزیون، در مطبوعات و در مسجدها و منبر سخنگویان رژیم با بیان یافتن جنگ تا "پایان سال جاری" را تبلیغ می‌کنند. گردآوری نیرو و جها از طریق تحریک مداوم احساسات مذهبی مردم و جها از راه نشان دادن امتیازات مادی ابعادی سابقه‌ای ایجاد کرده است. از سوی خمینی رفتن به جبهه‌ها "واجب شرعی" اعلام شده و از لحاظ مادی تازه‌ترین امتیاز رژیم به داد و طلبین اعزام به جبهه‌ها برخوردار از امتیازات ویژه در کشور برای ورود به دانشگاه‌ها و کشور است.

دولت جمهوری اسلامی همچنان اقتصاد جامعه را میلیتاریزه کرده و در ماه‌های اخیر اعتسار آب جدیدی را، علاوه بر آنچه که در بودجه کشور برای جنگ پیش بینی شده و به تصویب رسیده، در خدمت است ارگانهای نظامی قرار داده است. فشار بر اقشار مختلف مردم به ویژه سرکارگران و رزمنگان وحشی کارمندان برای اعزام به جبهه‌ها افزایش بیشتری یافته است و تکرار تندیهای وسیعی را نسبت به زندگی و آینده شغلی آنان برانگیخته است. اقتصاد کمونی رژیم یعنی طرح شعار "بکسر نمودن جنگ" ناشی از بسببستی است که به تنوع عوامل مختلف در جنگ بوجود آمده است که با بدآترادرتشدید تضادهای جامعه و تضاد قضاوت درونی رژیم در زمینه‌های گوناگون جستجو کرد. این واقعیت غیر قابل انکار است که تکلیف بزرگی بین درآمد ها و مخارج رژیم دهان بساز کرده است. کاهشهای نفت و نرخ دلار طی یکسال اخیر، سطح نازل تولید و بسته شدن کارگاه‌های تولیدی و کارخانه‌ها زیر عناوین مختلف و از جمله اعزام کارگران به جبهه‌ها، تفاوت عظیم سطح وارداتی کالاها نسبت به صادرات با توجه به بحران ارزی کمونی، نمونه‌هایی از عوامل تضعیف اقتصاد ایران می‌کند. در این میان سیاست رژیم در مورد چگونگی افزایش مالیات‌ها، نشان می‌دهد که تا چه حد سران رژیم برای نامیدن هزینه‌های سرمایه و رزیک در تلاشند. در جلسه هیئت دولت گفته می‌شود "کل درآمد های مالیاتی ۱۲/۵ درصد و میزان وصول مالیات‌های مشاغل بیش از ۲۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است". (روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۱۵ تیر ماه ۶۵). با توجه به سطح نازل درآمد ها و کاهش

ارتش و سپاه را در امر فرماندهی و اداره، جنگ گسترش داده است. دستور اخیر خمینی مبنی بر ورود صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی و محسن رفیعی دوست وزیر سپاه در شورای عالی دفاع و نیز سخنرانی او در جمع فرماندهان ارتش و سپاه و تاکید بر ضرورت وحدت میان ایندو، به خوبی نشان دهنده، در حشره اختلافات در دستگاه نظامی رژیم است. اما با وجود این اختلافات و ذکر مسائلی که در بالا رفت، "بالاشیا" چون آینه در آینه این وضعیت برای خود تیره و تار می‌بینند فعلا تحت مداخله "امام" روی مسئله جنگ، تلویحا با ادامه آن با طرح شعار دروغین "یکسره کردن جنگ" به توافق رسیده است این است که واقعبینان "حرف آخری" که سردمداران رژیم می‌خواهند بر بنیان این نه برای "یکسره کردن جنگ" بل برای ادامه آن است چرا که جنگ "نعمتی الهی" است و "شور آن" باید "گرم" نگه داشته شود چرا که با نغمه جنگ است که نوای حکومت بواخته می‌شود و با جنگ است که حسیب تجار پیر می‌گردند و وزیر جها در جنگ است که فضای غمناک کشور را ترخا بیضا و ویرانی و کشتار و فحلاکت، یوسانده می‌شود. اما این وضع ادامه نخواهد یافت چرا که در این جنگ "بیروزی" وجود ندارد و ادامه آن برای همیشه ممکن نخواهد بود این بار نیز رژیم با شعارش "گر بلایا" همانند "والفجرها" ... همان نتایج را به خود ارضایی خواهد داشت که تا کنون به دست آورده است گرچه در این میان سرنوشته حاکم برای هزاران انسان باریگر رقم زده خواهد شد، گرچه با زدن نتیجه خونخواهی سران حاکم‌برایران، شروتهای ملی به باد داده می‌شود، منتهی این بار شکست، بطور جدی تری اعتراضات شده‌ها علیه جنگ را بیان خواهد کرد و اختلافات سران حاکم را آشکارا تر و تشدید خواهد کرد و شرایط را برای دادخواهی علیه این حکام خون آشام مهیبا خواهد کرد. توده‌های زحمتکش ایران که املی‌ترین قربانیان جنگ بشمار می‌روند همراه ما بر سبب انفلای و تمامی سیروهای آزادخواه و ملحد و سوت ما را بشمرک را برای جنگ خواهند نواخت.

هر قدر که تلاشهای رژیم برای رسیدن به اهداف ارتجاعی خود ادامه می‌یابد به همان میزان ناتوانی در کسب پیروزی نظامی سریع و کوتاه مدت برای تمامی توده‌های مردم روغن سخته و سیلیفات عوام فریبا نه رژیم بطور معکوس در انکار عمومی جیبی گرفته، به ضد خود تبدیل شده و مساله ملحد را بسبب از پیش به مساله محوری مردم تبدیل می‌کند.

مرگ بر جنگ!

زنده باد صلح!

قدرت خرید بخش بزرگی از توده‌ها می‌شوان اثرات این افزایش مالیاتی را در زندگی اقتصاد کشور حس زد. از نظر سیاسی، رژیم نه تنها نتوانسته است حمایت کشورهای منطقه را به دست بیاورد بلکه خود همانطور که قبلا گفته شده است برای جلوگیری از تجدید روابط عراق و سوریه، همچنان با بد متحمل پرداخت باجی گزاف باشد. از سوی دیگر تشدید حو طح طلبی در میان مردم و نفرت از جنگ و مخالفت با آن به اشکال گوناگون و نیز شرایط سیاسی کمونی جامعه، که تقریبا راه را برای تشدید اعتراضات جبهه جنگ وجه علیه رژیم مدافع آن باز نموده است، سردمداران رژیم را ناچار به تجدید نظر در سلیفات جنگی خود کرده است. دیگر بیشتر نشانی کوچک در جبهه‌ها در ازای تلفات بزرگ نمی‌توان سدی روحیات جنگی دامن زده وحشی موقتاً بر تضادهای درونی سربوین بنهند. به همین خاطر رژیم ضد انقلابی بسا یوشن گذاشتن سراهان بیان اسلامیتی و ارتجاعی "صورت انقلاب اسلامی" وعده خاتمه جنگ را بسا از کسب "بیروزی" در حلقه‌های "تدارک دیده شده"، داده اند گرچه سران رژیم تصمیر درستی اریروزی ارائه نمی‌دهند و نمی‌گویند که دست آوردن چه چیزی معنای بیروزی را می‌دهد ما بر کسی یوسیده است که این بیروزی چیزی جز "ادامه جنگ" نیست. رفینحایی در دیدار با گروهی از فرماندهان و سواران ارتش می‌گوید: "الان تحلیل ما از جنگ این است که جنگ به نقطه‌ای رسیده که دیگر طرفین نمی‌خواهند خیلی سر کنند، عراق با صدور آحرار برسد برای اینکه ثابت کند که می‌تواند دفاع کند و ما با بد کام بزرگ را برداریم که ثابت کنیم عراق آسیب ندیده است، الان مقطعی است که این مساله با بد بکطرفه شود." (روزنامه کیهان، ۲۴ مرداد ماه ۶۵). اما وی می‌افزاید: "بس از این بیروزی نوبت به اسرائیل می‌رسد که از طرف همه مسلمانان دنیا مورد هجوم قرار گیرد و تحقیقا اگر صدام سقوط کند در مرزهای اسرائیل مدت کوتاهی جها دشروع می‌شود تا این حزب بعثت و صدام سرکار هستند اسرائیل موسیت دارد." (همانجا) این چنین است که رژیم تسپکار، با بریایی جس "آتش و قربانی" شتابان به استقبال شمنین مالکرد جنگ ارتجاعی ایران و عراق می‌رود. سردمداران رژیم در حنان بن بسبب قرار گرفته اند که خود نیز نمی‌دانند که این کلمات ادامه جنگ معنی می‌دهد و نه یکسره کردن آن. البته آنها خود سنگ می‌دانند حکار می‌کنند ولی برای تحمیق شده‌ها گاهی خود را به نادانی می‌زنند. در اینجا با بد گفته شود که معنی این کلمات بطریقی دیگر اختلاف آشکار میان سیاست جناحی مختلف رژیم است چرا که هر کدام تفسیری از خود برای "بیروزی" دارند. برای یکی سقوط صدام تازه شروع کار است و برای دیگری تکبیر بر بیروبیای محدود برای میا مشکلات داخلی. همچنین سدید تضاد میان جناحی مختلف بسوبه خود سبب تضاد

## لهستان در مسیر اصلاحات سوسیالیستی

دهمین کنگره حزب متحد کارگری لهستان که روز ۲۹ ژوئن در ورشو برپا شده بود، پس از پنج روز به کار خود پایان داد. در این کنگره مسائل سیاسی اقتصادی و اجتماعی جامعه لهستان و نیز زندگی درونی و شیوه های کار و فعالیت حزب و وظایف کمیونستهای لهستان در شرایط کسوفی به تفصیل مورد بحث و بررسی نمایندگان کنگره که ۴۱٪ آسرا کارگران تشکیل می دادند قرار گرفت. کنگره کار خود را با تصویب برنامه و ترازهای حزب و انتخاب کمیته مرکزی جدید به پایان برد. ۳ کمیته مرکزی یعنی ۱۷۲ نفر از مجموعه ۲۳۰ عضو کمیته مرکزی را اعضای جدید تشکیل می دهند. در ترکیب جدید کمیته مرکزی سه تن از اعضای دفتر سیاسی سابق و بیست و سه تن از اعضای سابق حزب وجود ندارد. مساحت کنگره با قرائت گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب توسط باروزلسکی دبیرکل حزب آغاز شد. محورهای اصلی سخنان وی به ضرورت نهاد و متمرکز اقتصادی، تحکیم "تفاهم ملی"، گسترش دموکراسی، تحقق عدالت اجتماعی، کنترل توده های دستگاه دولت و مبارزه علیه بوروکراسی اختصاص داشت. باروزلسکی در سخنان خود ضمن اشاره به اینکه کنور ثبات خود را با زیان فتنه و توریته دولت و حزب تحکیم می کرد در بر دستی راهی که حزب متحد کارگران لهستان اردا سبتمبر ۱۹۸۱ انتخاب کرده تا کید کرد. وی افزود سنگ بنای سیاست حزب، تفاهم ملی است و این یک برنامه استراتژیک است و به لحاظ آن تمام کسانی که به حزب انتقاد می کنند دشمنان آن هستند، برعکس، تمام کسانی هم که دست در جیب با صدای بلند و غر از سوی لیسم سخن می گویند دوستان آن نیستند.

ابوزیسون؟ بله، یک ابوزیسون لازم است و آن ابوزیسون و مخالفت با بوروکراسی و با آنحرف از اصول طبقاتی سوسیالیسم است. و بر عهده حزب است که در راه این ابوزیسون قرار گیرد. "دبیر اول حزب کمونیست لهستان در انتقاد به فعالیت و روش کار حزب گفت که حزب نباید به صورت ساختار "سلسله مراتبی" مرکب از افرادی که در پی امتیازات و منافع هستند در آید. حزب باید یک حزب مبارز باشد. ارگان لیسم اصلی آن سلول پایه است. رهبران هر کسی که با شنیدن دریا به ویژه در موسسات اقتصادی مبارزه کنند. این چنین آنان می توانستند آنچه که رحمکنان تکرار می کنند و می خواهند بکنند. "خلاصه با بد حزب کمونیست لهستان بود. "باروزلسکی در توضیح بخش کلیسا و شیوه برخورد حزب کمونیست به آن گفت: "کلیسا بطور طبیعی محافظه کار است، اما بسیاری از کارکنان در ساختار لیسم سوسیالیسم شرکت می کنند. اگر مذهب اخراجی چنین طبقه ای را توحیه می کند چرا ما نباید از آن جلوگیری کنیم؟ ارائه حاکمیت همکاری با کلیسا در اجوب رعایت فعالیت هر یک از طرفین است. کسانی که بیه "همبستگی" پیوستند و با آن دناله روی می کنند

در فکر آن بودند که با این ترتیب با قدرت بیشتری به سوسیالیسم نیروخواهند بخشید. بسیاری از آنان امروز با حزب و در درون حزب، با جنبش میهنی احیای ملی و در درون آن عمل می کنند. باروزلسکی در پایان سخنان خود بر اهمیت جلب توده ها بسوی حزب تاکید کرد و گفت: "بدون پشتیبانی توده ها می توان به رتق و فتق امور پرداخت اما می توان رهبری کرد."

میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی بعنوان یکی از مهمانان حزب کمونیست لهستان در دهمین کنگره شرکت کرد و طی نطقی به جمعیت در سپای بحران لهستان پرداخت. رهبران اتحاد شوروی ضمن ستودن تلاشها و موفقیتهای حزب کمونیست لهستان گفت: "بحران (لهستان) تمام پیچیدگی تقابل کسوفی بین دو سیستم را منعکس نمود. این بحران با تمام حادهاش مسائل را آشکار کرد که سوسیالیسم در مرحله دشوار روگرهی تکاملش با آنها مواجه است. به همین دلیل در سپای این بحران مهمانند آنچه صرفاً برای کمیونستهای لهستان، گورباچف ضمن اشاره به اهمیت و نقش روزافزون استرناسیون لیسم پرولتری و همبستگی برادرانه جهان سوسیالیستی در تکامل ساختار سوسیالیسم، اولین درس بحران لهستان را بصورت "بازگشت نا پذیر بودن" دستاوردهای سوسیالیسم و وحدت کشورهای سوسیالیستی فرموله کرد و بعنوان دومین درس بحران لهستان بر "عصب حیاتی جامعه سوسیالیستی یعنی جایگاه و نقش طبقه کارگر و ارزش و مفهوم ارتباط ارگانیک میان این دو" تاکید کرد و گفت: "تاریخچه ها ثابت کرده است که تنها طبقه کارگر در موضع محرک، حیات بخش و نیروی اصلی ساختار سوسیالیسم قرار دارد. ... بحران (لهستان) اعتراض کارگران علیه سوسیالیسم نبود بلکه عدم پذیرش تحریف سوسیالیسم در عمل بود، تحریفی که طبقه کارگر آنرا بطور دردناکی حس می کرد. این درسی است که به ما با آوری می کند که (ساختار) سوسیالیسم کارست دشوار و با استنبه ضرورت در هم شکستن مقادیر و مت سبوه های امیربالیستی. "گورباچف افزود: "تحریف لهستان به وضوح خطرات غمناکات و انحرافات از اصول، خطر مخدوش کردن معیارهای زندگی حزب و دولت و نیز بی توجهی به سیاست اجتماعی و اقتصادی را آشکار کرد."

دبیر اول حزب کمونیست اتحاد شوروی در حالی که سیاست اقتصادی و انحرافی حزب کمونیست لهستان را در گذشته مورد انتقاد قرار می داد گفت: "آنها ای که بر مناسبات آن توسل به کالاهای غریبی آن استراست تا تولید آنها توسط خود صرفاً از لحاظ ملی برای کشورهای سوسیالیستی گران تمام می شد. بلکه از تکامل علمی و تکنیکی جلوگیری کرده و استقلال این کشورها را مورد تهدید قرار داده است. تصویر سوبنی که دنیا ی سوسیالیستی باید از خود ارائه

دهد، در ماهیت امر وابسته به تواناییش در برطرف و در تجدید و نو سازی خود است."

\* \* \* \* \*

دهمین کنگره حزب متحد کارگری لهستان در شرایط کاملاً متفاوتی نسبت به نهمین کنگره برگزار شد. نهمین کنگره که کنگره فوق العاده حزب به شمار می رفت در ژوئیه ۱۹۸۱ یعنی در شرایطی تشکیل شد که بحران سیاسی و اقتصادی - اجتماعی عمیقی لهستان را در خود فرو برده و اکثریت کارگران و توده های مردم در برابر حاکمیت و حزب کمونیست لهستان قرار داشتند. رابطه و پیوند حزب متحد کارگری لهستان با توده های کارگر گسیخته و اعتماد توده های وسیع نسبت به رهبری و سیاستها و خط مشی حزب سلب گردیده بود. دولت سوسیالیستی همچون کشتی طوفان زده ای به اینه سوآ تسوکشید ه می شد. موج اعتماد با ت کارگری و تظاهرات خیابانی اقتضا دعا معارض شدت در هم ریخته و از لحاظ سیاسی نگرانیهای عمیقی را نسبت به سرنوشت سوسیالیسم در لهستان برانگیخته بود. "همبستگی" که توده وسیعی را به خود جلب کرده و زمانی در مقابل سیاست بوروکراتیسم در ارگانهای دولتی و تکیه بر اصلاحات اقتصادی و سیاسی خواستهای به حق توده ها و بویژه کارگران را منعکس می کرد، بتدریج با تسلط عناصر ارتجاعی در رهبری آن به یک جریان ارتجاعی و وابسته به قدرتهای امیربالیستی استحاله یافته و تلاش می کرد تا شرایط را برای نابودی سوسیالیسم و بازگشت محدود سرمایه داری، در لهستان فراهم کند. حزب کمونیست لهستان زیر ضربات حوادث سیاسی و تحت شرایط فوق العاده دشوار، نهمین کنگره خود را برای ریشه یابی و حل بحران فرا خواند. به عنوان نتایج کنگره، شعار "نوسازی سوسیالیستی" مطرح شد و ضرورت انجام اصلاحات عمیق در ارگانهای دولتی و حزبی و نیز تجدید سازمان بدهی اقتصادی جامعه به تصویب رسید. در ریشه یابی و تحلیل بحران مساحت نمایندگان کنگره به این جمع بندی منتهی شد که بحران در درجه نخست، از لحاظ اقتصادی، ناشی از لولونتا ریسم و عدم انطباق سیاستهای اقتصادی حزب با اصول مارکسیسم - لنینیسم و واقعیات سطح تکامل اقتصادی و انحراف در رهبری و مدیریت است. اقتصاد ملی بوده و از لحاظ سیاسی ناشی از ظهور و رشد بوروکراتیسم و عدم رشد دموکراسی سوسیالیستی هم در مقیاس کل جامعه و ارگانها و آنها ده های سیاسی و اجتماعی و هم بویژه در درون خود حزب بوده است. در واقع هم ریشه اصلی بحران لهستان را باید قبل از هر چیز در انحرافات حزب متحد کارگری لهستان در زمینه های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی - ایدئولوژیک در دهه ۷۰ جستجو کرد. در این دوره، عدول حزب کمونیست لهستان از قوانین عینی مربوط به فاشان انتقال جامعه از سرمایه داری بسوی

## نقش جنبش سندیکائی در آفریقای جنوبی

بقیه از صفحه ۱

تداوم حیات سازمان ما در گرو تصمیمات بوروکراتها نیست. چندی بعدوی نیز همراه با جمع دیگری از رهبران سندیکایی بازداشت شد. هم‌کنون تعداد رهبران سندیکایی بازداشت شده حدود نهمصد نفر تخمین زده می‌شود و طبق قانون جدیدی که چندی پیش به تصویب شورای امنیت داخلی آفریقای جنوبی رسید، رژیم مجازات به مدت شش ماه بازداشت زندگان را بدون هیچ دلیل و اتهامی در زندان نگهدارد. اکنون با قیام نده رهبران "گوسا تو" مخفی شده و جلسات آن نیز مخفیانه برگزار می‌شود.

فعالیت سندیکایی در آفریقای جنوبی که پس از اعتصاب بزرگ معدنیان در ۱۹۴۶- که سارکوب و حتی نه‌نژادپرستان به خاک و خون کشیده شد- ممنوع و غیرقانونی شده بود، محدوداً در ۱۹۷۹ ریز فتنه مبارزه کارگران در مورد بارهای از سندیکاها آزاد قاونی شناخته شد. اما همواره تلاش رژیم روبه زوال نژادپرستان در آفریقای جنوبی این بود که مبارزه کارگران را در چارچوب خواسته‌های نردیونیونی محدود کنند.

امروزه، پیشرفت بیکار رطیفات کارگران محدوده‌های منفی مبارزه را در نوردیده و خواسته‌های کارگران حتی در سندیکاها نیز با سیاست است. اکنون امتیازات منفی، در حالیکه مبارزه طبقه کارگر به مرحله سرنگونی رژیم حاکم وارد شده، به دیسیده کارگران بسیار نمی‌نماید. بسیاری از سندیکاها که در بنیاد نگارای "گوسا تو" شرکت داشتند، عضو جبهه واحد موکراتیک، که متشکل از هفتصد سازمان ضد نژادپرستی است، به شمار می‌روند. "گوسا تو" که بیش از هفت ماه از تاسیس اش نمی‌گذرد، از همان ابتدای فعالیت اش همگاری و ستگیری مشترک خود را با "کنگره ملی آفریقا" در جهت نابودی سیستم حاکم اعلام کرد. "سیری رامافوزا" دبیر کل "نوم" در کنگره موسسان "گوسا تو" اهداف این اتحادیه مرکزی را چنین یک سخنرانی جنیسن جمع بندی کرد: "مبارزه زحمتکاران نمی توانند از مبارزه ای که جامعه ما برای آزادی خود به پیش می برد جدا باشد." وی در همین کنگره گفت: "حکومت به روشنی نشان داده است که دیگر نمی تواند کشور را کنترل کند. زمان آن فرارسیده که طبقه کارگران وی بخواهد که قدرت سیاسی را از آنها کند تا رهبران به حق این کشور آنرا به دست گیرند."

علیرغم سرکوبی‌های وحشیانه و کشتار روزمره، توده‌های سیا هیوست جنبش توده‌ای با گام مهمی استوار به پیش می‌رود و به گفته "جی شیدو" دبیر کل جدید "گوسا تو": "سرکوبها "گوسا تو" را نه ما یوس و دل سرد می‌کنند و نه می‌توانند به دلیل استحکام پایه‌ها آن به حذف "گوسا تو" منجر شود." نهضت طبقه کارگر هم‌کنون علاوه بر خواست مربوط به لغو حکومت نظامی دو خواست جدید یعنی آزادی رهبران سندیکایی و از آن هم مهمتر قانونی کردن "کنگره"

ملی آفریقا" را نیز به آن افزوده است. "گوسا تو" روز اول ژوئیه به رژیم "نوم" اخطار کرد که: "چنانچه این مطالبات حداقل (لغو حکومت نظامی، آزادی نهمصد سندیکالیست و قانونی شناختن کنگره ملی آفریقا) برآورده نشود، "گوسا تو" برای دست یافتن به آنها اقدامات مقتضی را به اجرا خواهد گذاشت". پس از این اخطار، مبارزه توده‌ای در ۱۴ ژوئیه در جهت خواسته‌های مذکور در معادن و اکثر مراکز صنعتی کشور با شکل گوناگون مجدداً گسترش یافت و اوج گرفت.

در دوران دستگیری رهبران سندیکایی در آفریقای جنوبی دو تن از رهبران "نوم" (سندیکای ملی معدنیان آفریقای جنوبی) که قوی ترین سندیکای درونی "گوسا تو" محسوب می‌شود، موفق به فرار از توریگسترده بلایی شده و بی‌از سرزیر کشور، درباریس با رهبران کنگره راسیون عمومی زحمتکاران فرانسه (C.G.T)، ملاقات و در محابه‌ای با "اوما نیته" ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه شرکت کردند. "سیری مانورا" دبیر کل "نوم" در این محابه که روز دوم ژوئیه انتشار یافت ضمن توضیحاتی در مورد اهداف کنونی رهبری "گوسا تو" به سوالات اوما شسته پاسخ داد که ما متن آنرا عیناً در زیر نقل می‌کنیم:

فراخوان همه اعضای "گوسا تو" به اعتصاب، به منظور آزادی رهبران زندانی و نیز لغو اجالت فوق العاده و عقب نشینی ارتش از شهرکهای است که اشغال کرده است. ما فکرمی‌کنیم این عمل، اقدامی ملی و بسیار وسیع خواهد بود که در آن یک میلیون و نیم زحمتکش شرکت خواهند کرد. رهبران دستگیر شده زیا دیود نوروشن است که این دستگیریها بیش از همه متوجه "گوسا تو" بوده است، تقریباً یکمصد و بیست تن از مسئولین این سازمان زندانی هستند. اعضا خواستار آنند که تصمیمی برای یک اقدام فوری اتخاذ گردد. ما فکرمی‌کنیم یک اعتصاب محتملاً باید دستکم تا راهی رهبران به طول انجامد، و روشن است که این عمل می‌تواند به تقابل بیسن زحمتکاران و ارتش و پلیس منجر شود. در این صورت مانگران آن هستیم که گشته زیا بدیم، در کیری بسیار سختی خواهد بود. قضیه در معدنیها، از آنهم بدتر است زیرا در آنجا کارگران متمرکز هستند، آنها در محل سکونت داشته و سست به شرکتها تحت کنترل شدیدتری قرار دارند. امروز ما در انتظار شرایط بدی برای خود هستیم، اما اطمینان کامل داریم که اعضای ما به خوبی به شعار ما پاسخ خواهند داد."

سوال - از اعلام حالت فوق العاده بدینسو، اعتمایات محلی بسیاری بویژه در بخش توزیع و ظاهراً بطور بی‌نظم به راه افتاده است. آیا آنها خود بخودی بودند یا هماهنگ؟

جواب - اولین (اعتمایات) خود بخودی بودند و در تجارت، برای آنکه بسیاری از رهبران سندیکایی در این بخش به دنبال اعلام اجالت فوق العاده دستگیر

شدند. می‌توان گفت که تمام رهبری سندیکای تجارت منحل شد. اما بعد از این آکسیونهای هماهنگ سازمانیافته خواهند بود. این عکس العمل خود بخودی علیه حکومت نظامی فشار رسنج خوبی برای ما جهت قضاوت درباره سطح آگاهانه زحمتکاران بود. آکسیونهای هماهنگ بسیار نیرومند تر خواهند بود بویژه بعد از جلسه این سه شنبه ما.

سوال - علیرغم خطراتش؟

جواب - این درست است، تنها بیدار موش کرد که کسی که در این شرایط در اعتمای شرکت می‌کنند با خطر ده سال زندان مواجه است و اینکه مادر شرایط سرکوب مداوم زندگی می‌کنیم. صحبت کردن از اعتصاب هم، برای یک رفیق کارگر ممنوع است. اما رهبری سندیکاها آماده شرایطی به مراتب بدتر از این هستند.

سوال - مفهوم ایجاد "گوسا تو" در نوما میسر ۱۹۸۵ که در دوران آن سازمان شما مهمترین و مبارزترین سازمان است چه بود؟

جواب - زمانی که "گوسا تو" پایه گذاری شد، همه چیز کاملاً روشن بود. بدین معنا که مبارزه ما صرفاً یک مبارزه اقتصادی برای خواسته‌های مطالباتی مان بود، بلکه کلیه آکسیونهای ما می‌توانند به چارچوب مبارزه برای آزادی ملی وارد گردند. این امر به وسیله تمام کارگرانی که در دوران "گوسا تو" حضور دارند تصویب شده است. روش سرکوبگرانه دولت در مقابل "گوسا تو" از این واقعیت ناشی می‌گردد که "گوسا تو" بخودی خود به مسائل سیاسی می‌پردازد. در گذشته، سازمانهای سندیکایی در آفریقای جنوبی وجود داشتند که به مسائل دیگری حزمطالبات اقتصادی نمی‌پرداختند و از این نقطه نظر شکل گیری "گوسا تو" گسست کاملاً روشن در مقایسه با گذشته ایجاد کرد. در زمان کنگره موسسان، ما فراخوانی برای آزادی زندانیان سیاسی دادیم و اعلام کردیم که حکومت باید کسار رفته و قدرت را به نمایندگان به حق مردم منتقل کند و خواستار از بین رفتن آپارتاید شدیم. مبارزه سندیکایی نمی‌تواند از مبارزه برای آزادی جدا باشد، وگرنه ما به خواسته‌ها و آزادهای اعضایمان خیانت خواهیم کرد. هر سندیکایی باید به مسائل لحظه‌ای که در آن عمل می‌کند بپردازد.

سوال - روابط شما با سازمانهای اصلی ضد نژادپرستی آفریقای جنوبی چگونه است؟

جواب - ما همچنین اعلام کرده ایم که می‌توانیم با کلیه سازمانهای مترقی همکاری کنیم؛ جبهه واحد موکراتیک، سازمانهای دانشجویی و سایر تمامی نیروها مثلاً "کنگره ملی آفریقا" که علیه رژیم مبارزه می‌کند. بدین ترتیب ما رهبری "کنگره ملی آفریقا" را نیز در لوزاکا در امبیا ملاقات کردیم، زیرا احساس می‌کردیم که هدفهای ما واحد بوده است. امروز در بین مردم آفریقای جنوبی سطح آگاهی بالایی علیه نژادپرستی وجود دارد و ایجاد "گوسا تو" عمیقاً مدیون این سطح آگاهی است.

پیشمرگان سازمان آزادی کار ایران (فدائی)

## در جریان یک جوله سیاسی نظامی پایگاه "دارمه کون" رامورد حمله و لیرانه خود قرار دادند

روز جمعه ۲۹ خرداد ماه، پیشمرگان سازمان آزادی کار ایران (فدائی) وارد منطقه سوسنایستی سردشت شده و از میان دهها پایگاه رژیم سرکویگر جمهوری اسلامی گذشته و تاسیر جاده پیرانشهر - سردشت پیش رفتند. در این جوله، رفقای پیشمرگه سازمان وارد روستاهای منطقه شده ضمن تبلیغ مواضع سازمان، سیاستهای ضد خلقی و سرکویگرانه رژیم جمهوری اسلامی را در رابطه با سرانزگیری و تسلیم اجباری روستائیان برای مردم منطقه افشا کرده و جوانان روستاهارا به پیوستن به صفوف پیشمرگان جنبش انقلابی خلق کرد تشویق کردند.

عصر روز ۲۱ تیر ماه یک واحد از پیشمرگان سازمان بمنظور اجرای عملیات، خود را به پایگاه "دارمه کون" که قبلاً مورد شناسائی دقیق قرار گرفته بود نزدیک کرده و رأس ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر در نقاط از قبل تعیین شده مستقر شدند. عملیات با شلیک دو موشک آریبی چی به مرکز فرماندهی و تاسیسات پایگاه آغاز شد و بلافاصله، مزدوران مستقر در پایگاه آماج گلوله مسلسلهای پیشمرگان دلیر سازمان قرار گرفتند. آتشی امان و دقیق مسلسلهای پیشمرگان هرگونه ابتکار عمل را از دشمن سلب کرده بود. جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی که انتظار چنین حمله غافلگیرانه ای را نداشتند چند دقیقه بعد وحشت زده و دیوانه وار اطراف پایگاه را زیر آتش سلاحهای سبک و سنگین خود قرار دادند.

در جریان این عملیات که نیم ساعت بطول انجامید هیچ گونه آسیبی به پیشمرگان و مردم منطقه وارد نشد و رفقای پیشمرگه همگی سلامت به محلهای از قبل تعیین شده بازگشتند. از تعداد تلفات دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست.

مرکز رژیم جمهوری اسلامی ایران - برقرار بساد جمهوری دمکراتیک توده ای هرچه مستحکمتر بساد پیوند جنبش ملی دمکراتیک خلق کُرد با جنبش انقلابی سراسری ایران

سازمان آزادی کار ایران (فدائی)

کمیته کردستان

۲۴ تیر ۶۵

## فرمان جهاد خمینی و مقاومت خلق کرد



بقیه از صفحه ۱

مبارزه در شرایط مختلف همچون بکارگیری تاکتیکی مبارزه علنی و غیرعلنی و مقاومت در شهرها و روستاها بی که توسط نیروهای رژیم اشغال شده بودند، کمک رسانی به مناطق آزاد، همکاری مردم و نیروهای پیشمرگ و... سازمان تداوم مبارزه انقلابی گردید. مبارزه با تیرانی در شرایط فعلی نشانه اعطاف، درک ضرورت و قدرت تطبیق نیروهای رزمنده خلق کرد و هشاری مردم کردستان است.

پس از گذشت هفت سال از فرمان جهاد خمینی علیه خلق کرد و هجوم وحشیانه نظامی برای درهم شکستن مبارزه و مقاومت انقلابی و عادلانه در کردستان، علیرغم تمام جنایات و سرکوبیهای وحشیانه، نه تنها آتش مبارزه انقلابی در کردستان خاموش نشده و خلق کرد همچنان به مقاومت انقلابی و عادلانه خود ادامه می دهد و با وجود اشغال شهرها و مناطق آزاد شده توسط نیروهای سرکوبگر رژیم، سر تا سر کردستان صحنه مبارزه انقلابی توده ها و حشمت نیروهای مسلح پیشمرگ علیه مزدوران و عوامل رژیم میباشد و خلق کرد با استواری در جهت دستیابی به حقوق با یمال شده خود می رزمند.

تداوم مبارزه و مقاومت انقلابی در کردستان اراده خلیل ناپذیر خلق کرد را در مبارزه برای کسب حقوق ملی دمکراتیک خویش به عین نشان داده است. در عین حال جنبش مقاومت خلق کرد طی سالهای اخیر از دو ضعف اساسی رنج برده است که عبارتند از: ۱- فقدان وحدت لازم میان جنبش خلق کرد و جنبش سراسری خلقهای ایران و سازمانهای کردستان با نیروهای سراسری. ۲- پراکندگی در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد.

بقیه در صفحه ۹

فی الارض و کمونیستها را "شیاطین" و حزب دمکرات را "منحله" اعلام کرده و کشتار همه آنها را طلب نموده بود مجبور شد مذاکره با "حزب غیرقانونی دمکرات"، "عزالدین مفید" و "شیاطین" را تا شید کند و پیام ۲۶ آبان در حقیقت پوششی بود برای توجیه این عقب نشینی اجباری، یکپارچگی نسبی جنبش مقاومت خلق کرد در برابر لشکرکشی رژیم، قدرتمندی جنبش انقلابی توده های در سراسر کشور، نوازی از نیروهای طبقاتی در سطح کشور را در آن شرایط بوجود آورده بود که پس عقب نشینی را بر رژیم تحمیل می کرد. تداوم سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و آغاز مجدد جنگ در کردستان از بهار ۵۹، ماهیت ارتجاعی رژیم و مانورهای آنرا بیش از پیش برملا کرد.

در مرحله دوم جنگ (از بهار ۵۹ به بعد)، خلق کرد بطور منظم سازمانیافته به دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب ادامه داد و از مناطق آزاد شده که خارج از کنترل رژیم بود، حراست کرد. رژیم برای اشغال مناطق آزاد شده و اعمال سلطه خود هر آنچه در توان داشت، از قطع بودجه و محاصره اقتصادی گرفته تا لشکرکشی و بمباران و قتل عام نمود. اما علیرغم تمام تلاشهای ارتجاعی نتوانست جنبش انقلابی خلق کرد را سرکوب نماید.

در طی این سالها خلق کرد، با بهره گیری از تمام امکانات و با از خود گذشتگی و فداکاری به نبرد عادلانه خود ادامه داده است و علیرغم موفقیت رژیم در سرکوب نهادهای انقلابی در سراسر ایران و روکود جنبش سراسری، کردستان بصورت سنگرزادی به مقاومت ادامه می دهد. خلق کرد تجربه یک مبارزه توده ای و مقاومت مسلحانه را از سر گذراند. تغییر تاکتیکیهای

می پنداشتند که با فرمان جهاد خمینی و سرورش وحشیانه نظامی به کردستان خواهند توانست در مدت زمان کوتاهی آتش انقلاب را در کردستان خاموش کرده و جنبش انقلابی خلق کرد را سرکوب نمایند، اما مقاومت یکپارچه خلق کرد و نیروهای انقلابی در کردستان در برابر این حمله نظامی، خیال لیاقی ارتجاعی و توطئه رژیم علیه خلق کرد را نقش بر آب کرد. رژیم علیرغم موفقیتهای اولیه در اشغال شهرها، با مقاومت مسلحانه در سراسر کردستان مواجه گردید و خود را با موقعیت دشواری روبرو دید. جنایات رژیم در کردستان توسط نیروهای انقلابی در سراسر ایران بطور وسیعی افشا گردید و روحیه حمایت از مقاومت عادلانه خلق کرد در سراسر ایران قوت یافت. در عرض مدت کوتاهی پس از اشغال شهرها و عقب نشینی نیروهای سیاسی به روستاها، تبعیض نیروهای جنبش مقاومت مسلحانه به شهرها آغاز گردید و اعتراضات علیه اقدامات ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم در سراسر ایران صورت گرفت. در چنین وضعیتی رژیم به ناچار مجبور شد تن به عقب نشینی دهد و صلح مسلحی در کردستان به رژیم تحمیل گردید. خمینی که از زمانهای گروهی فدای "حزب فقط حزب الله" را سرداده و در عرض چهل و هشت ساعت سرکوب توده های خلق به خواسته کرد را از بساداران و ارتش طلب کرده بود در برابر مقاومت دلیرانه خلق کرد و مبارزات توده ها در این مناطق با لاجباری به فرستادن پیامی در ۲۶ آبان متوسل گردید و حاکمیت ناچار شد با نیروهای درگیر در جنگ کردستان بر سر میز مذاکره بنشیند. خمینی که در فرمان جهاد خود شیخ "عزالدین" و "قاسم لوز" مفید

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

# “آنان موفق نخواهند شد!”

“آنان موفق نخواهند شد”! با این شعار، که شعار انقلابیان قهرمان در جنگ داخلی اسپانیا در ژوئیه ۱۹۳۶ بود، مردم تاجا و دلیر نیکاراگوئه، روز نوزدهم ژوئیه گذشته، هفتمین سالگرد انقلاب خود را جشن گرفتند. خلق قهرمان نیکاراگوئه طی نظاره‌ها و راهپیمایی با شکوه و وسیعی در “استلی” واقع در شمال و نزدیک مرز هندوراس، شهری که سبتر حملات جنایتکارانه ضد انقلاب مستقر در هندوراس در آنجا صورت گرفته، عزم و اراده، راسخ خود را در دفاع از انقلاب و اعتقاد دویمان خود را به شکست ناپذیری دشمن به نمایش گذاشتند.

هفت سال پیش، در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹، با ورود ساندنیست‌ها که سوار بر تانک‌های به غنیمت گرفته شده بودند به ماناگوا (پایتخت نیکاراگوئه) و با سقوط مجسمه‌های سومو زای دیکتا توریست کفرش میدانهای شهر، به حیات جهل ساله، رژیم یوسیده، سوموزا پایان داده شد و انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی نیکاراگوئه با رهبری جبهه ساندنیست‌ها و در رأس آن کمونیست‌های این کشور به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب فصل جدیدی را در تاریخ مبارزات رها یی بخش و دموکراتیک مردم نیکاراگوئه گشود. با استقرار حکومت انقلابی، آزادی و استقلال سیاسی کشور تا مین شد. ارگان‌های مسلح شده‌ای جانشین دستگاه نظامی درهم شکسته رژیم قبلی شد. با شکل گیری دستگاه جدید دولت، ساندنیست‌ها بی‌درنگ برای گسترش انقلاب سیاسی به انقلاب اجتماعی، پرچم مبارزه در راه دیگر گونیه‌های عمیق اقتصادی - اجتماعی را به دست گرفتند.

الزامات گسترش و تعمیق انقلاب، مبارزه طبقاتی را در نیکاراگوئه تشدید و صف بندی آرایش نیروهای سیاسی - اجتماعی را در این کشور به تدریج متحول کرد.

علاوه بر فشرده شدن صف و یورژوازی بزرگ وابسته و صاحبان لاتیفوندها (زمینداران بزرگ) و تشدید مقاومت مسلحانه آنان در برابر انقلاب، یورژوازی لیبرال و هیرارش فوقانی کلیسا که تا آن زمان اخبار اولنگ لنگان به دنبال انقلاب کشیده می‌شدند، هنگامی که پیشرفت انقلاب رونق و تحولات بنیادی را در تضاد با منافع طبقاتی خود دیدند، نغمه‌های مخالفت با سیاست‌های دولت انقلابی حاکم را ساز کردند.

به موازات این روند داخلی، در عرصه بین‌المللی نیز امپریالیسم آمریکا از همان ابتدا، با همکاری متحدین ارتجاعی خود در منطقه آمریکای مرکزی، سوبزه رژیم‌های هندوراس و کوستاریکا، تلاش‌های خود را با شکل گوناگون برای سرنگونی رژیم انقلابی و خفه کردن فریاد حق طلبانه خلقی که طی سالیان دراز تحت ستم امپریالیستی و در شرایط سرکوب و خفقان و فقر و بدبختی می‌زیست به کنار گرفت. امپریالیسم آمریکا که نمی‌توانست استقلال و آزادی یک خلق سه میلیونی را در چند قدمی مرزهای خود

تحمل کند و آزادی‌گویی دیگری می‌دید که با تشبیه خود، به بیگانگان انقلابیان و تکیه‌گاه انقلابات در منطقه و به مانع مهمی در برابر سیاست‌های امپریالیستی و ارتجاعی تبدیل می‌شود، با روی کار آمدن ریگان در ۱۹۸۱ - به تاجا و زات خود علیه نیکاراگوئه، آزاد شدت بیشتری بخشید.

مشاوران نظامی پنتاگون با ایجاد پایگاه‌های مدرن نظامی خود بطور مستقیم به آموزش نظامی و تسلیح گروه‌های تروریست و مزدور در نوآر مسرزی نیکاراگوئه پرداختند. سپس ریگان که اعمال هرگونه مجازات اقتصادی را نسبت به رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، تحت عنوان امتیاز دادن به سازمان “تروریستی - کمونیستی” کنگره ملی آفریقا رد می‌کند، اقدام به محاصره و تحریم اقتصادی نیکاراگوئه کرد. طی هفت سال گذشته سیاست تروریستی آمریکا علیه انقلاب نیکاراگوئه هر بار با شدت و هیستری بیشتری دنبال گردیده است. اما نه تحریم و محاصره اقتصادی، نه کمک مالی، تدارکاتی و تسلیحاتی به “کنترا” (ارتش ضد انقلابی) و نه مین گذاری در بنا در و آب‌های داخلی نیکاراگوئه نتوانسته است خللی در اراده استوار خلق نیکاراگوئه وارد کند. آخرین تلاش بی‌خرماتیه آمریکا، تصویب صد میلیون دلار تحت عنوان “کمک به آزادیخواهان نیکاراگوئه”! یعنی همان شکنجه‌گران و افسران گارد ملی سوموزا و سایر عناصر صدها تنی سرکوبگر امنیتی و رژیم سابق بود که اعترافات وسیعی را در سطح جهانی علیه دستگاه دولتی آمریکا برانگیخت. اگر در اوائل، آمریکا به ضد انقلابیان نیکاراگوئه تحت پوشش “کمک‌های انسانی” و با از بودجه “سیا” و بطور پنهانی کمک می‌کرد، اکنون با تصویب این صد میلیون دلار در کنگره آمریکا، آشکارا علیه نیکاراگوئه انقلابی اعلام جنگ کرده است.

با اوج گیری فشارهای آمریکایی بر نیکاراگوئه دولت انقلابی با اعلام حالت فوق العاده از انتشار تبلیغات مخالفین در داخل کشور جلوگیری بعمل آورد. بدنبال این اقدام لیبرال‌های مخالف انقلاب، این مدافعان قلابی “حقوق بشر”، در اتحاد با مقامات بالایی کلیسا، در محاصره‌های خصوصی خود با مطبوعات خارجی، آشکارا به دفاع از “کنترا” و اقدامات امپریالیسم آمریکا علیه “رژیم دیکتاتوری حاکم در نیکاراگوئه” برخاستند.

اما با اینهمه، حمایت از نیکاراگوئه و اعلام همستگی بین‌المللی با حکومت و خلق نیکاراگوئه هر روز اوج بیشتری می‌گیرد. رأی‌دادگاه بین‌المللی لاهه در اوایل ژوئیه گذشته، با تأیید محکومیت سیاست‌های تاجا و زکارانه آمریکا، حمایت وسیع نیروهای شرقی و صلح دوست جهانی را به سوی خود جلب کرد. این دادگاه که بدنبال شکایت دولت نیکاراگوئه تشکیل گردید در تمامی موارد مطروحه‌های بر محکومیت آمریکا صادر کرد. دادگاه لاهه در رای خود که با اکثریت آرا اخذ شد اعلام کرد:

ایالات متحده با آموزش نظامی، با مسلح و مجهز کردن و با کمک مالی و تغذیه “کنترا” (ارتش ضد انقلابی) الزاماتی را که حقوق بین‌الملل برعهده وی می‌گذارد نقض کرده است. سپس افزود: “ایالات متحده با پاره‌ای حملات به خاک نیکاراگوئه که در ۸۴ - ۱۹۸۲ انجام شد و با مین گذاری در آب‌های داخلی نیکاراگوئه الزاماتی را که حقوق بین‌المللی و عرفی را زیر برداخت در مورد داخلی سایر دولتها، برعهده وی می‌گذارد، نقض کرده است”. در رای دادگاه همچنین تاکید شده است که پسر واز هواپیماهای آمریکایی بر فراز نیکاراگوئه “حقوق حاکمیت آنرا مورد تاجا و زت قرار می‌دهد”.

رئیس دادگاه لاهه طی سخنانی گفت: “کمک مالی به “کنترا” بدون هیچ‌نگ و ششپه‌ای دخالت در امور داخلی نیکاراگوئه محسوب می‌شود” و “ایالات متحده ملزم به برداخت کلیه زیان‌هایی است که به نیکاراگوئه وارد آمده است”. رأی دادگاه بین‌المللی لاهه‌ها منظور که وزیر امور خارجه نیکاراگوئه سر آن تاکید کرد “پیروزی بزرگی برای نیکاراگوئه و پیروزی بزرگ صلح است”. و این در عین حال شکست بزرگی است برای امپریالیسم آمریکا. سکوت اولیه دولت آمریکا در برابر این رای و سپس اظهار نظر ریگان مبنی بر عدم رسمیت شناختن صلاحیت دادگاه لاهه به سوا یی این شکست بزرگ در افکار جهانیان ابعاد وسیعتری بخشد.

دولت نیکاراگوئه برای مقابله با تحریم اقتصادی و سایر تاجا و زات آمریکا و نیز حملات نظامی مزدوران سیا، یعنی “کنترا”، مجبور به استقرار اقتصاد جنگی در کشور شد. هم‌اکنون بودجه دفاعی نیکاراگوئه نزدیک به ۴۵٪ از کل بودجه دولت را بخود اختصاص داده و سیاست دولت بر پایه شعار “همه چیز برای جبهه، همه چیز برای پیروزی”، تدوین و تنظیم شده است. در این میان بنا به گفته وزیر برنا مریزی نیکاراگوئه کمک‌های خارجی که ۷۰٪ آن از کشورهای سوسیالیستی است، کمک اساسی و مهمی برای نجات کشور به شمار می‌رود.

انقلاب نیکاراگوئه با پشت سر گذاردن هفتمین سال خود، با ۲۴۰۰۰ شهید، در میان آتش و خون و بنجده در پنجه مشکلات گوناگون اقتصادی، مسموم و بر توان به پیش می‌رود. “دانیل اورتگا” رئیس جمهور نیکاراگوئه چندی پیش در مصاحبه‌ای اعلام کرد: “ما از دیدن خطر دخالت مستقیم سربازان آمریکا بی‌در کشورمان نخواهیم ترسید و یاد در برابر آن به زانو نودن نخواهیم آمد، ما از انقلابمان دفاع خواهیم کرد”. وی پس از تصویب کمک صد میلیون دلاری آمریکا به “کنترا” اطمینان داد که مسردم نیکاراگوئه در عین آنکه سلاح بر کف از خود دفاع خواهند کرد، همزمان برای دست یافتن به یک راه حل از طریق مذاکره برای پایان دادن به درگیریها در آمریکا مرکزی کوشش خواهند کرد.

امپریالیسم‌ها را آمریکا ممکن است در تداوم مجازات خود به دخالت مستقیم نظامی نیز متوسل شده و با پیاپی ده کردن نیرو در خاک نیکاراگوئه، فاجعه ویتنام را تکرار کند، اما خلق نیکاراگوئه نیز به رهبری کمونیست‌ها آماده است تا صحت در سب‌های تاریخی ویتنام را با ردیگر به متجاوزین یا نکی اثبات کند:

## لهستان در مسیر

بقیه از صفحه ۳

سویالیسم‌ونادیده گرفتن تضادهای آشتی‌ناپذیر طبقه‌ای در برنا مهریزی و تعیین "استراتژی اقتصادی" عامل اصلی بحران اقتصادی در لهستان بود.

بر مبنای این استراتژی اقتصادی کسب "استراتژی رشدتبا" نامیده می‌شد، حزب کمونیست بجای تکامل پایه‌های مادی و فنی سویالیسم با تکیه بر منابع داخلی و همکاری اقتصادی با سایر کشورهای سویالیستی، اساساً متکی بر صنعتی کردن و مدرنیزه کردن بوروکراتیک لهستان بود. واقعیت این انحراف هم در بخش صنعت و هم در بخش کشاورزی کاملاً آشکار شد. بحران لهستان که در حقیقت به معنای شکست استراتژی حزب بود نشان داد که رشد اقتصادی و مدرنیزه کردن سویالیسم بدون درک ضرورتها و اهمیت تعیین کننده قانون-مندیهای اقتصادی سویالیستی امکان‌پذیر نیست. عواقب وخیم استراتژی مذکور که در بخش صنعت بر پایه سیاست واردات وسیع کالا و مواد و تکنولوژی با اتکا به وامها و اعتبارات کشورهای غربی و در بخش کشاورزی مبتنی بر کمک و تقویت تولید خرده مالکی بود در برهه زمان آشکار شد. واردات کالاهای تکنولوژی غرب با تکیه بر وامها و اعتبارات کشورهای امریکالیستی ضربات بزرگی بر رشد واقعی تولید و اقتصاد کشور وارد کرد، بنحوی که سالها انباشت سرمایه‌گذار ریپای جدید، بهین-ست رسید و دولت لهستان برای استیلاک وامهای خود مجبور به پرداخت بیش از ۸۰٪ از درآمدهای حاصله از صادرات خود به کشورهای سرمایه‌داری غربی گردید.

در بخش کشاورزی وضع از اینهم بدتر بود. در این بخش انحراف اصلی آن بود که بجای آن که رشد و افزایش تولید در راستای سویالیستی کردن کشاورزی و دامپروری هدف استراتژیک حزب قرار گیرد، با لایبردن سطح تولید از راه کمک دولت به دهقانان خرده مالک و عیناً صرف نمودن ۸۸٪ تولید کشاورزی متکی بر قطعه زمینهای آنها بود - محور سیاست حزب را تشکیل می‌داد.

تداوم این سیاست به ثروت مند شدن دهقانان خرده مالک و رشد عیناً صراطی که به فروش محصولات آنان در شهرها می‌پرداختند، شد. دهقانان دیگر نه تنها از فروش بسیاری از محصولات خود به دولت امتناع می‌کردند بلکه بعدها با اوج گیری بحران، اصولاً فروش محصول به دولت را بطور کامل بایکوت کردند. سوداگری و احتکار مواد غذایی و کالاهای مصرفی، کمیابی و تورم و حشمتناکی را بر اقتصاد جامعه تحمیل کرد که با راه اصلی آن بردوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می‌کرد.

واحدهای اقتصادی با ایداع لحاظ مالی متکی به خود بوده و بخشی از درآمدهای خود را برای سرمایه-گذار ریپای جدید و مدرنیزه کردن وسایل تولید و افزایش بارآوری تولید اختصاص داده و مدیریت خود را اساساً مسئول بیلان کار موسسات کردند، و وضع

اقتصادی کشور را در جهات مثبت دگرگون کرده است. اکنون کوشش در این جهت است که مدیریت واحدها نتوانند مانند گذشته با تکیه بر آموها و راه‌های مرسوم و با توجیه "اجرای رهنمودهای وزارتخانه‌ها" که در ارتباط با برنا مهریزی عمومی اقتصادی است از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. برخلاف گذشته، دیگر به واحدهای بی‌کفایتان منعی نبوده و به ورشکستگی تهدید می‌شوند - و این در اغلب موارد به دلیل ضعف رهبری و مدیریت بوده - از سوی دولت و امویا کمک مالی داده نمی‌شود. بلکه این واحدها پس از بررسیهای لازم در اختیار واحدهای کسبه فعالیتشان به همان رشته مربوط می‌شود با زده‌ی کار در آنها حدیلاً یا مطلوبی را نشان می‌دهد، گذاشته می‌شوند. بدین ترتیب واحدهای مزبور تجدید سازمان ندهی شده و بطور مولی فعالیتشان را از سر می‌گیرند. این سیاست که موثر بودن آن در مبارزه علیه بوروکراسی و در جهت تثبیت مسئولیت مدیران کارخانه‌ها در تجربه عملی کشورهای سویالیستی به اثبات رسیده در لهستان نیز کارآیی خود را نشان می‌دهد.

اما علیرغم تلاشهای حزب در تصحیح اشتباهات گذشته و پیشبرد اصلاحات اقتصادی، لهستان هنوز با مشکلات اقتصادی بزرگی مواجه است. هنوز بدهی خارجی ۳۵ میلیارد دلار برگزیده اقتصاد کشور سنگینی می‌کند. این بدهی خارجی واردات مواد اولیه و تکنولوژی را محدود می‌کند. و این امر با توجه به اینکه مواد اولیه تولید شده در داخل تنها با سخوی ۱۰٪ از نیازهای واحدهای تولیدی لهستان است، مانعی جدی در راه رشد اقتصادی جامعه به شمار می‌رود. لظماً نتیجه سیاستهای انحرافی در دهه ۷۰ و در جریان بحران سالهای اولیه دهه ۸۰ بر بیکر اقتصاد لهستان وارد آمد. آنچنان شدید بود که بنا بر آمار و گزارشات، حجم تولید در سالهای ۸۱-۸۲ کاهش معادل ۲۵٪ را نشان می‌داد و تا اواخر پایان سال ۸۵ بود که لهستان توانست حجم تولید صنعتی خود را به سطح تولید سال ۱۹۷۹ برساند.

به موازات تحولات اقتصادی، تغییرات سیاسی مهمی نیز در لهستان پدید آمده است. پیشرفت واقعی جامعه سویالیستی و تکامل ساختارهای سویالیسم در کشور و شرکت روزافزون توده‌ها در اداره امور جامعه است. تکامل سویالیسم به رهبری حزب کمونیست اما در عین حال به دست خود طبقه کارگر و با گسترش فزاینده نقش ارگانهای توده‌ای در زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قابل تحقق است. فاصله گرفتن از این اصل اساسی م - ل به طور اجتناب‌ناپذیر به درجات مختلف به ظهور رشد بوروکراتیک در اشکال گوناگون و به انحطاط جامعه منجر می‌گردد. حزب کمونیست لهستان طسی مدتهای طولانی از این اصل دور شده و در نتیجه نه تنها رشته‌های پیوند خود را با طبقه کارگر لهستان از دست داد بلکه بخشهای وسیعی از طبقه در مقابل حزب و به مناسبت، اپوزیسیون دولت سویالیستی قرار گرفتند. یکی از دلایل اصلی بحران لهستان نیز از همین جا سرچشمه می‌گرفت. خواست کارگران مبنی بر اعمال اصل خودگردانی مستقل توده‌ای و شرکت در مدیریت و اداره و کنترل موسسات اقتصادی از

مهمترین مطالبات جنبش کارگری در جریان بحران تابستان ۱۹۸۰ بود.

شوراهای کارگری که بدشمال اولین بحران لهستان در سال ۱۹۵۶ به طور خودبخودی پدید آمدند گرچه بعداً قانونی شناخته شدند اما همواره خالی از محتوای واقعی خویش بودند. این شوراهای فقط توسط مدیریت تعیین و انتخاب می‌شدند بلکه علاوه بر آن نقش چندانی هم در اداره امور نداشتند.

یکی از اهداف اصلاحات سویالیستی و یکی از مضامین شعار "بازسازی و نوسازی سویالیستی" متوجه از بین بردن همین نقص اساسی در لهستان بوده است. در ۱۹۸۲ با تصویب قانون مربوط به شوراهای کارگری، این شوراهای نقش مستقل خود را بازیافته و دارای قدرت تصمیم‌گیری و کنترل واقعی موسسات می‌شوند. شوراهای کارگری کنونی برای همگانی، مستقیم و مخفی کارگران انتخاب شده، بر نامه‌های درآمدت و کوتاه مدت اقتصادی را تصویب کرده، تغییر داده و بار می‌کنند. شوراهای همچنین هر ساله در مورد نحوه توزیع درآمدهای واحدهای اقتصادی تصمیم‌گیری می‌کنند.

در همین مقطع، تحولات مشابهی چهره‌سندیکا‌های کارگری لهستان را نیز تغییر داده است. سندیکا‌های کارگری لهستان بر پایه‌های جدیدی در کارخانه‌ها و واحدهای مختلف سازماندهی شده‌اند. هدف این تجدید سازماندهی تضمین استقلال عمل کارگران در فعالیتهای سندیکایی است. با اصلاحات جدید سندیکاها بر حسب رشته‌های صنعتی دارای استقلال عمل بوده و در عین آنکه در مورد مسائل اساسی که از چارچوب این بیان واحد، این بیان رشته تولیدی خارج شده و به یک مسأله منظمه‌ای یا ملی مربوط می‌شوند فعالیت و عملکرد خود را هماهنگ می‌کنند و در حوزه مربوط به خود را مستقلانه تصمیم گرفته و عمل می‌کنند. این شکل از سازماندهی که مبتنی بر اصول سازماندهی فعالیتهای سندیکایی است باعث شد که دیگر مانند گذشته یک ارگان مرکزی نتواند تصمیمات سندیکاها را در این بیان واحد و تو یا خنثی کند. با اینحال هنوز بخش قابل توجهی از کارگران در ارگانهای توده‌ای حضور نداشته و از شرکت کردن چه در شوراهای چه در سندیکاها خودداری می‌کنند. به عنوان نمونه هنوز در نسیمی از واحدها، سندیکاها در اقلیت قرار دارند و در درجه تشکیل کارگران در سندیکاها از ۳۵ درصد در رشته ذوب فلز شروع و به هفتاد درصد در سندیکا‌های معدنچیان ختم می‌شود. اعتبار و نفوذ حزب متحد کارگری لهستان نیز در میان کارگران گوا اینکه تا حدودی احیا گردیده و روند عینی تحولات نیز در این جهت قرار دارد اما لطفاً نااشی از انحرافات و اشتباهات گذشته هنوز در اشکال مختلفی پابرجاست، بطوری که تعداد اعضا و طرفداران حزب در بسیاری از واحدها هنوز از ۳۵ درصد کارگران فراتر نمی‌رود. برهه جدا پس از حزب که در سالهای ۸۱-۱۹۸۰ به اوج خود یعنی به یک میلیون نفر رسیده بود تا سال ۱۹۸۲ ادامه یافت. این روند در واقع مبنای گسست دوگانه حزب یعنی گسست رابطه بین ارگانهای رهبری حزب و توده اعضا



احمدشا ملو

## میلاد آنکه عاشقانه بر خاک مرد

در شهادت احمد زبیرم

قلعه بی عظیم

که طلسم دروازه اش

کلام کوچک دوستی است .



انکا ر عشق را

چنین که به سرخستی باسفت کرده ای

دشمنه بی مگر

به آستین اندر

نشان کرده باشی .

که عاشق

اعتراف راجنان به فریاد آمد

که وجودش همه

با نکی شد .



نگاه کن

چه فروتنانه بر درگاه نجابت

به خاک می نکتند

رخساره بی که توفانش

مسخ

نیارست کرد .

چه فروتنانه بر آستانه توبه خاک می افتد

آن که در کمرگاه دریا

دست

حلقه توانست کرد .

نگاه کن

چه بزرگوارانه دریای توسرنها د

آن که مرگش

میلاد پیرها هوی هزار شهزاده بود

نگاه کن !



نگاه کن چه فروتنانه بر خاک می گسترده

آنکه نهال نازک دستاش

از عشق

خداست

و بیش عصیانش

بالای جهنم

یست است .

آن کوبه یکی "آری" می میرد

نه به زخم صخره

و مرگش در نمی رسد

مگر آن که از تب و هوش

دق کند .

## فرمان جهاد خمینی



## مقاومت خلق کرد

نقشه از صفحه ۶

بیوند بین مبارزه خلق کرد با مبارزه سراسری سایر خلقهای ایران ، در سالهای اخیر پس از انقلاب به نحو کاملاً بارز آشکار شده است . خلق کرد همگام با سایر خلقهای ایران رژیم سلطنتی را به گور سپرد . پس از حاکمیت ارتجاع ، یورش نظامی برای جنبش انقلابی در کردستان با حمایت و پشتیبانی از مقاومت عادلانه ، خلق کرد در سراسر ایران توانم گردید . حمایت از جنبش عادلانه ، خلق کرد در سراسر منطقه و مبارزه و فشار انقلابی بوده ها برگزیده ، رژیم در سرتاسر ایران از جمله عوام مل عقب نشینی رژیم در سال ۵۸ به شمار می رود . افت مبارزه انقلابی بوده ای در سایر مناطق و سرکوب آن توسط ارتجاع حاکم به رژیم امکان داد که با دست بازتری نیروهای خود را برای سرکوب خلق کرد متمرکز ساخته و فشار بر آن را شدت بخشد . تغییر توازن قوا به سود ارتجاع در سطح کشور به رژیم امکان داد که بتواند با متمرکز کردن نیروهای سرکوب ، شهرها و مناطق آزاد شده را اشغال نماید . طی این روند هم سرنوشته خلقهای ایران ، پیوند مبارزات خلق با مبارزه سراسری خلقها کاملاً آشکار شد ، لیکن پیوند مبارزه ، خلق کرد با مبارزه سراسری خلقهای ایران که بصورت سازمان یافته در ایجاد جنبه ، دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران با شرکت نیروهای کردستان و نیروهای سراسری

می توانست متجلی گردد ، تحقق نیافت . ایجاد یک چنین جنبه ای می توانست با پیوند صحیح مبارزات خلق کرد با مبارزات سایر خلقها ، جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک سراسری در ایران و جنبش مقاومت خلق کرد را که بخشی از این جنبش بشمار می آید ، از استحکام و قدرت به مراتب بیشتری برخوردار سازد . یک چنین وظیفه ای همچنان بر دوش نیروهای انقلابی قرار دارد که می باید آگاهانه در این راستا گام بردارند .

فقدان وحدت و پراکندگی در صفوف جنبش خلق کرد از ضعفهای اساسی این جنبش بشمار می رود . طی سالهای اخیر نه تنها روند متحد شدن و فشرده گردیدن صفوف جنبش مقاومت پیش نرفته بلکه سیر معکوسی طی نموده است . در برابر فرمان جهاد خمینی نیروهای سیاسی در کردستان ، یک پارچه به مقاومت برخاستند ، همگرا و پی هم کاری بین نیروها بیشتر گردید و به تشکیل هیئت های نمایندگی خلق گردانجا مید . این همگرایی نقش بسزایی در توانمندی جنبش مقاومت خلق کرد و عقب نشینی و شکست رژیم ایفا نمود . اما به تدریج سیر پراکندگی و رشد اختلافات طی گردید و سرانجام پس از حمله طرح ریزی شده ، کومله در ۴ بهمن سال ۱۳۶۳ به جنگ سراسری در کردستان بین حزب دمکرات و کومله انجامید . بروز این جنگ پراکندگی در صفوف جنبش ملی دمکراتیک خلق را گسترده تر کرد و موجب تضعیف آن گردید . این جنگ ضربات سنگینی بر جنبش خلق کرد و نیروهای درگیر وارد آورده است . کوششهایی که برای پایان دادن به جنگ صورت گرفت بسبب نتیجه مانده اما عملاً طی هشت ماه گذشته درگیری نظامی بین دو نیرو به وقوع نیویسته بود و حتی تبلیغات خصمانه دو نیرو علیه یکدیگر تا حدودی فروکش کرده بود و این نظر می رسد نوعی آتش بس

اعلام شده بین دو نیرو وجود آمده است . در هشت ماه گذشته ، آتش بس اعلام نشده و غیر رسمی بین دو نیرو از یک سو و گسترش بی سابقه عملیات پیشمرگان و موفقیتهای چشمگیر نظامی در تصرف با یگانهای نظامی رژیم از سوی دیگر امیدهایی را به وجود آورده بود که این فضا بتواند به یک آتش بس جدی و مذاکره و خاتمه درگیریهای نظامی بینجامد . اما درگیری اخیر پنج تیر ، در "قلقله" که خود کومله مسئولیت آغاز آن را به عهده گرفت و طی آن شازده نفر از پیشمرگان حزب دمکرات به شهادت رسیدند (که ده تن از آنان زخمی شده و به اسارت پیشمرگان کومله در آمده و سپس اعدام می شوند) ضربه جدیدی بود که نشان داد کومله علیرغم طرح شعار "آتش بس بی قید و شرط" و نظاهر به صلح طلبی ، از فرصتهای به دست آمده برای جلوگیری از درگیریهای نظامی ، کاهش تنش و برقراری آتش بس نمی خواهد استفاده کند ، کومله با شکستن آتش بسی که بطور عملی بوجود آمده بود یکبار دیگر سیاست جنگ افروزان و ماجراجویانه خود را به نمایش گذاشته و بر مشکلات پایان دادن به این جنگ افزود .

گرچه غلبه بر پراکندگی کنونی در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد ، با مشکلات و مواضعی جدی روبروست لیکن این امر تفرقی کنشده ، کوششهای آگاهانه ، نیروهای انقلابی برای متحد کردن صفوف این جنبش می باشد . مبارزه برای متحد کردن و یکپارچه نمودن صفوف جنبش مقاومت خلق کرد و گسترش پیوند و اتحاد این جنبش با مبارزات سراسری خلقهای ایران از جمله وظایف درنگ ناپذیر نظامی نیروهای انقلابی و مترقی است و غلبه بر این ضعیفهای جنبش خلق کرد ، این جنبش را بیش از پیش شکست ناپذیر خواهد ساخت .

## نقش جنبش

بقیه از صفحه ۴

سؤال - درباره ضرورت مجازاتهای اقتصادی علیه آفریقای جنوبی زیاد صحبت می‌شود. یکی از آنها پایان دادن به واردات ذغال سنگ آفریقای جنوبی توسط کشورهای غربی است. آیا ایسم آن نیروی که اعضای شما، معدنچیان بطور کلی، اولین کسانی باشند که از این مجازات لطمه ببینند؟

جواب - اعضای ما در این باره بحث کرده‌اند و تصمیمی که اتخاذ شده بین است که سندیکای ما از فراخوان مربوط به مجازاتها حتی اگر اجرایی مجازاتها از دست رفتن شغل و بیگاری رادریسی داشته باشد پشتیبانی نخواهد کرد. ذغال سنگ آفریقای جنوبی بهترین بازار را در دنیا داراست زیرا از قبیل سیستم نژادپرستی به قیمت پائین استخراج می‌گردد. بنا بر این تخریم روشی که برای محکوم کردن سیاست نژادپرستی و عدم اعتمادی که این امر به دنبال خواهد داشت به سرمایه داران آفریقای جنوبی لطمه خواهد زد. داشتن شغل یک حق است اما اعضای ما آزادی را مافوق آن قرار می‌دهند. آنان آماده این فداکاری که برای یک زحمتکش فوق العاده گران تمام می‌شود هستند. از

غربی است که از رژیم نژادپرست حمایت می‌کنند. آنها می‌کوشند تا هر خوبی داشته باشند. ما خواهان مجازاتهای محدود نیستیم. درباره فرصت سه ماهه این نیز تا کتیک برای وقت گذرانی بیش نیست. اگر آنان واقعا خواستار اتخاذ تصمیمات موثر در رابطه با آفریقای جنوبی باشند از هم اکنون قادر به انجام آن هستند. در طول این مدت سه ماهه، افراد بسیاری در آفریقای جنوبی خواهند مرد. ما هیچ اعتدایی به حکومتهای کشورهای غربی نداریم. هیچ. آنان پشتیبانی خود را نسبت به رژیم آفریقای جنوبی به اثبات رسانده‌اند. "لايه" هیچ نتیجه‌ای برای ما نخواهد داشت.

ما با زحمتکنان کشورهای غربی است که تصمیم گرفته‌ایم تمام سهای خود را چند برابر کنیم. به این ترتیب در فرا سه ماهه داشتن پشتیبانی زحمتکشان وابسته به "C.O.T" فکری کنیم زیرا مناره ما گرچه مناره‌ای است برای آزادی اما با این وجود ما این دیدار از دست نمی‌دهیم که مناره ما مناره‌ای است سندیکایی. ما تا چند ساعت دیگر برای ملاقات با رفقای بریتانیایی "بوم" در لندن خواهیم بود.



ساله‌ها سیاسی کنونی، مساله جنگی برخورد با سوسیولسم و غیر فعال بودن بخش مهمی از کارگران و زحمتکشان و جلب آنان به زندگی سیاسی و اجتماعی است. سوسیالیسم در لهستان هنگامی می‌تواند بر این نقص بزرگ فایز آید هنگامی می‌تواند ندهد فقط کارگران و زحمتکشان بلکه حتی سخنپایی از حربه بورژوازی را به کار خلاق و فعلا لانه برای ساختمان سوسیالیسم طلب و جذب کند که بتواند در درجه نخست به سیاره‌های مادی بطور همه جانبه بسازد، سطح زندگی مردم را ارتقا داده و تضمین کند. چرا که سوسیالیسم برتریهای خود را پیش و بیش از هر چیزی در نشان مشخص و ملموس مادی است که به توده‌ها نشان داده و اثبات می‌کند. تنها تا ما این پیش شرط و انجام ما بین وظیفه و تلفیق آن با کار همه جانبه سیاسی و ایدئولوژیک حزب کمونیست در میان کارگران و زحمتکشان است که سوسیالیسم و کمونیسم به آرمان نهایی و در نتیجه نیروی مادی عظیمی در میان اکثریت وسیع مردم لهستان تبدیل می‌شود. این واقعیتی است که لهستان شرایط فوق العاده دشوار بحران سالهای اولیه ۸۰ را پشت سر گذاشته و گامهای مهمی به پیش برداشته است اما این امر نیازمند توجه این توم شود که گویا همه مسائل لهستان حل شده و با همه چیز درآینده روبرو خواهد بود. مشکلات اقتصادی - اجتماعی موجود، مسائل مربوط به حیات درونی حزب و روشهای فعالیت آن برای بسیج توده‌ها، وظایفی را در برابر حزب متحد کارگری لهستان قرار داده است که حل آنها نیازمند مبارزه و تلاش و فداکاری است. نمونه‌ها و کمونیستهای لهستان است.

دست دادن شغل بهای آزادی است.  
سؤال - و سایر اشکال مجازات؟

جواب - "گوستو" تصمیماتی گرفته است از قبیل پایان دادن به کلیه سرمایه‌گذاریهای خارجی زیرا رژیم نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد مگر به یمن روابط اقتصادی اش با خارج. تعداد بسیار کمی کارگر آفریقای جنوبی وجود دارد که با مجازاتها یعنی مساله‌ای که مطلقا مهاجرت که در بین ما مورد بحث قرار گرفته مخالفت با شد. اگر در خارج همکاری با رژیم آفریقای جنوبی متوقف گردد، تغییرات عمیقی می‌تواند پدید آید. ما به عنوان سندیکای معدنچیان و نیز "گوستو" فکری کنیم که باید فشار بیشتری بر آفریقای جنوبی اعمال گردد. از طریق مجازاتها، استدلال کشورهای غربی که بر اساس آن، این زحمتکشان آفریقای جنوبی خواهند بود که بیش از همه از مجازاتهای اقتصادی رنج خواهند برد مخصوصا چیز ویژه‌ای است. بی شک ما آن رنج خواهیم برد اما ما حاضریم این رنجها را بپذیریم.

سؤال - درباره تصمیمات احزاب اروپایی "لايه" که سه ماهه "پروتريا" برای تغییر روش اش فرصت داده‌ا علام کرده که غیرا بصورت با صلاح هر چه دیدی از چشم خود دیدی، یعنی مجازاتهای اقتصادی محدود، چه فکری کنید؟

جواب - این کارها روش تئوریک کشورهای

## لهستان در مسیر

### اصلاحات

### سوسیالیستی

بقیه از صفحه ۸

ذهنی و غیر واقعی تئوریهایی را که با جسم فروسن بروا قیامت عینی جامعه تدوین و تنظیم شده بود، نشان داد. گوناگونی و تلون افکار سیاسی در لهستان، از حمایت از رژیم گرفته تا مخالفت با سوسیالیسم انعکاس وضعیت عینی جامعه است که در آن بیش از ۸۰ درصد از تولیدکنندگان روزی مستقیما بر مالکیت خصوصی بوده و هنوز کلیسا و زنه مهمی شمار می‌رود. واقعیت آنست که با وجود حرای رفرفهای اقتصادی و کنترل و کاهش تورم، اقتصاد لهستان از نرخ تورمی معادل ۱۸ درصد رنج می‌برد. فشارهای ناشی از گرانی و کاهش قدرت خرید بر زندگی توده‌ها پایه مادی یا سوسیولسم و فعال بخشهایی از زحمتکشان است. اکنون مساله سیاسی در لهستان از نقطه نظر سیاسی دیگر مساله "همبستگی" که بطور غیرقانونی به فعالیت خود ادامه می‌دهد نیست. بر این جریان در گوران عمل بویژه با ناتوانی وضعی که در ارائه پیشنهادات مشخص برای حل مشکلات اقتصادی و سیاسی از خود نشان داد به یک جریان ایزوله و بسته یک جریان صرفا ناراضی و منفی گرا تبدیل شده است.

از یک سو گسترش ارتباط بین حزب و توده کارگران از سوی دیگر بود. این روند اکنون مدت است که قطع گردیده و بیوستن ۶۳۰۰۰ به حزب در سال گذشته نشان دهنده آنست که حزب بتدریج موقعیت و جایگاه ناپسته خود را در میان کارگران و زحمتکشان لهستان باز می‌یابد.

اما از سوی دیگر روی آوردن توده‌ها به سوی حزب، آنرا مانع نگذشته، با خطر گسترش شورمی و نفوذ عناصر فرصت طلب که صرفا به منظور سوءاستفاده از عنوان عضویت به حزب می‌پیوندند مواجه می‌کند. رسانها و عواقب وخیم ناپدید شدن گرفتن ضروریهای گسترش حزب و مخدوش شدن ملاکهای اصولی در عضوگیری از سوی بارهای از احزاب کمونیست بویژه در کشورهای سوسیالیستی چیزی است که تجربه لهستان سیرا را دیگر آزار به وضوح نشان داد. در این رابطه در کنگره دهم حزب کمونیست لهستان شوه عضوگیری بدون معیار و ضوابط و گسترش بی‌محتوای حزب در گذشته شدت مورد انتقاد قرار گرفت و بر این امر که توجه حزب باید پیش از کمیت معطوف به کیفیت اعضا، به تکامل زندگی درونی حزب، به آموزش سیاسی و ایدئولوژیک اعضا و به فعالیتهای سازمانی با بهای حزب دروا حدها و موسسات باشد، تاکید شد. بحران لهستان فرونشست. اگر در سال ۱۹۸۰ جنگی با بیان دادن به این بحران موضوع اصلی مساحات کنگره دهم حزب کمونیست لهستان را تشکیل می‌داد، در کنگره دهم جنگی مداوم و تعمیق اصلاحات سوسیالیستی و از بین بردن زمینه‌های بروز مجدد بحران موضوع حاد بخشهای نمایندگان کنگره بود. بحران گذشته بی‌پایه بودن ارزیابیهای حزب طی دهه ۷۰ را کاملاً آشکار کرد. براتیک اجتماعی ماهیت

**رفیق له‌دوان ۵۵۵**

شبهه از صفحه ۱۲

همین انجمن بود که بعدها در ۱۹۳۰ به حزب کمونیست هندوچین تبدیل شد. له‌دوان که از همان ابتدا نماینده نگذاری حزب کمونیست هندوچین بود در ۱۹۳۱ به عضویت کمیسیون تبلیغی کمیته حزبی در شمال ویتنام درآمد. در همین سال دستگیر شده و به سنج سال زندان محکوم می‌گردد. له‌دوان به فعالیت‌های سیاسی خود در زندان‌های ویتنام ادامه داده و بالاخره در ۱۹۳۶ بعد از پیروزی جبهه خلق در فرانسه از زندان آزاد و به عنوان دبیر کمیته حزبی مرکز ویتنام و سپس در سال ۱۹۳۹ به عنوان عضو کمیته مرکزی انتخاب می‌شود.

له‌دوان در ۱۹۴۰ مجدداً از اذیت و همراهی تعدادی از رهبران حزب کمونیست ویتنام محاکمه و این بار به ده سال زندان محکوم می‌شود. پنج سال بعد که "انقلاب اوت" علیه فاشیسم ژاپن (که از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ ویتنام را به اشغال خود درآورد بود) و مرتجعین داخلی به پیروزی رسیده بود و رفیق هوشی

**اعتصاب بزرگان ۵۵۰**

شبهه از صفحه ۱۴

علیرغم تبعیدهای رژیم و با وجود اسکورژیم‌سعی کرده بود از بخش فراخوان اعتصاب جلوگیری به عمل آورد در این روزها اعتصاب بطور گسترده از سوی بزرگان صورت گرفت و تقریباً همه مراکز درمانی و محل کار بزرگان را فراگرفت. عوامل رژیم که از اعتراض گسترده بزرگان برآشفته شده بودند، طبق معمول به سرکوب و فشار بیشتر دست زدند. دادستانی کشوری اخباری مندرج در اطلاعات ۲۳ سپتامبر به شدت به "سازمان نظام پزشکی" تحت عنوان "اخلال در امر معالجه مردم" حمله نمود و گردانندگان این حرکت ضد مردمی "را از برخورد قاطع" دادستانی آگاه کرد ۱۱. این اخبار، دستگیری دهها پزشک و حمله و اوباشان "حزب الهی" به مطب بزرگان را بدنبال داشت.

لايحه جدید جزئی از سیاست کلی رژیم برای نابودی کلیه تشکلهای صنفی و یا تبدیل آنها به زائده‌های تحت اختیار کامل مرتجعین و ابرار اعمال سیاستهای ارتجاعی رژیم می‌باشد که اعتراض و ناراضی و وسیع بزرگان را موجب گردیده است. وضعیت درمانی در ایران که در سابق به سیاستهای ارتجاعی رژیم حالت اسفنازی بخود گرفته است با تشدید این سیاستهای ارتجاعی بیش از پیش وخیم‌تر شده و بصورت دردناکی درخواهد آمد. این اقدامات ارتجاعی اخیر رژیم در عین حال جزئی از تسدازک برای حمله بزرگ در آینده نزدیک شمار می‌آید که شما می‌توانید در کشور در خدمت جبهه‌های جنگ ارتجاعی و خاسانوسوز قرار می‌دهد. ونوده‌های مردم را از ابتدائی ترین امکانات پزشکی محروم خواهد ساخت.

اعتصاب و اعتراض بزرگان علیه اقدامات ارتجاعی و ضد دموکراتیک رژیم، انعکاس وسیعی در سطح کشوریافته است. توسل رژیم به سرکوب شدید، دستگیری دهها پزشک، هجوم دسته‌های اوباشی حزب الهی به مطب بزرگان و هراس رژیم از مبارزه بحق بزرگان در دفاع از حقوق خود، بخوبی نشان می‌دهد.

میں درها نوی بنی نگذاری جمهوری دموکراتیک ویتنام را اعلام می‌کند، له‌دوان مجدداً به عضویت کمیته مرکزی و سپس به عضویت دبیرخانه کمیته مرکزی برای جنوب ویتنام انتخاب می‌شود. در ۱۹۵۱، در دومین کنگره که حزب کمونیست هندوچین به حزب زحمتکشان ویتنام تغییر نام می‌دهد، او وارد دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب می‌گردد. هنگامی که قرار داد دژ نوک ویتنام را به دو بخش تقسیم می‌کنند اما تعداد و در مرکز کشور به سر می‌برد. وی بلافاصله برای سازماندهی اقداماتی در جهت رعایت قرارداد ژنو و سپس رهبری حشیش مقاومت، به جوسو عزیمت می‌کند. در ۱۹۵۷ و در بازگشت به شمال وارد دبیرخانه حزب شده و در جریان رهبری امور حزب در کنار هوشی مین و علیه کسانی قرار گرفت که از تزی دفاع می‌کردند که بر مبنای آن شمال باید تماماً با سرری خود را صرف ساختمان سوسیالیسم کند، در مقابل، رفیق له‌دوان از به پایان رساندن کامل انقلاب در سرانگسور و تبدیل شمال به عقبه‌دار یا پیشست جبهه، مبارزه در جنوب و از تجدید وحدت ملی دفاع می‌کرد.

در اواخر دهه پنجم سلوم حزب در ۱۹۵۹ نظریات هوشی مین و له‌دوان مورد قبول حزب قرار گرفت و تصمیم به سازماندهی مبارزه مسلحانه در جنوب با شرکت تمامی نیروهای شمال گرفته شد. له‌دوان در سومین کنگره، حزب در ۱۹۶۰ به دبیرکلی حزب انتخاب شد و این انتخاب در چهارمین و سپس پنجمین یعنی آخرین کنگره حزب در مارس ۱۹۸۲ مجدداً مورد تأیید قرار گرفت.

رفیق له‌دوان به عنوان رهبر حزب زحمتکشان ویتنام نقش عظیمی در تدوین استراتژی و تاکتیک و بسپرد خط منی حزب در راه آزادی، استقلال و ستمگیری ویتنام به سوی سوسیالیسم که با پیروزی نهایی خلق ویتنام در آوریل ۱۹۷۵ و آزادی سایگون و تمام جنوب ویتنام زلوت وجود ناکیها و نوکران داخلی‌شان منسحق گشت، ایفا نمود.

رفیق له‌دوان، کمونیست برجسته و مبارز و هم‌زمان دبیر رفیق هوشی مین، پس از پیروزی انقلاب نیز تلاش همه‌جانبه‌ای را برای بازسازی ویرانیها و خرابیهای ناشی از سی سال جنگ و برای پیشرفت ویتنام به‌کار برد. پیگیری و تلاش بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر او نمونه و تجسم عزم او را در پیروادین طبقه کارگر و خلق ویتنام در مبارزه علیه نیروهای ارتجاعی و پیروزی بر اشغالگران فرانسوی، ژاپنی و آمریکایی و برای ساختمان جامعه نوین یعنی سوسیالیسم در ویتنام بود. رفیق له‌دوان به خاطر ابتکار عمل و دید روشنی که در برخورد با مسائل حشیش داشت از طرف جریکهای ویت کنگ "مرد هزار شمع" لقب گرفته بود. او همچنین مبارزه، سرخستانهای را برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های "انقلاب فرهنگی ماژوئیستی" در ویتنام به پیش برد.

له‌دوان در آخرین ماههای عمرش، هیئت نمایندگی حزب کمونیست ویتنام را در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی رهبری کرد. پس از مرگ وی، در نشست فوق العاده کمیته مرکزی ترون شین عضو دفتر سیاسی و رئیس شورای دولتی به اتفاق آراء، به دبیرکلی حزب کمونیست ویتنام برگزیده شد.

در مراسم تشییع جنازه رسمی له‌دوان علاوه بر حضور تمامی رهبران حزبی و دولتی سازمانهای نوده‌ای ویتنام مه هیئت نمایندگی خارجی یعنی هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی به ریاست نیکلای ریچکوف عضو دفتر سیاسی و رئیس شورای وزیران، هیئت نمایندگی حزب خلقی انقلابی کامبوج به ریاست "هنک سامرینیک" دبیرکل و رئیس شورای دولتی و هیئت نمایندگی حزب خلقی انقلابی لائوس به ریاست "کیرون فمویان" دبیرکل و رئیس شورای وزیران، شرکت داشتند.

فقدان له‌دوان ضایعه بزرگی برای حشیش کمونیستی کارگری جهان و ویژه برای طبقه کارگر و خلق ویتنام به شمار می‌رود.

**پیام سازمان آزادی کار ایران (فدائی)**

به نعمت میرزا زاده (م، آ، ز، م) - شاعر مبارز و دبیرکانون نویسندگان

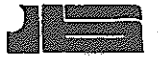
ایران (در تبعید)

به مناسبت مرگ دردناک نیما میرزا زاده در پاریس

مرگ مشکوک نیمای جوان که سیاستهای ارتجاعی و ضد انسانی رژیم ترون وسطایی جمهوری اسلامی او را وادار به جلای وطن و پناهنده شدن به فرانسه ساخته بود، تا شرمگنان را برانگیخت. نیما که قربانی سیاستهای ارتجاعی دولت فرانسه گردید، مثل بسیاری از هموطنانمان که آوارانه دیگر کشورها شده‌اند، طعم تلخ سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی و شرایط پناهنده‌گی را چشید و چشم خود دید که چگونه در فرانسه و دیگر کشورها، پناهندگان تحت فشارهای گوناگون قرار دارند.

مرگ نیما نمونه‌ای است از فشارهایی که به ایرانیان پناهنده وارد می‌شود و هشدار است برای همه پناهندگان که حقوقشان بطور روزمره در فرانسه و سایر کشورها پایمال می‌گردد. مبارزه برای دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی وظیفه‌ای است که بر دوش تمامی هموطنانمان قرار دارد.

ما مرگ نیما میرزا زاده را به شما تسلیت می‌گوئیم. دهم مرداد ۱۳۶۵



# رفیق له دوان درگذشت

رفیق "له دوان" دبیرکل حزب کمونیست ویتنام روز دهم تیرماه (۲۵ ژوئیه)، به دنبال یک بیماری طولانی مدت کلیوی درگذشت. رهبر ویتنام تمام زندگی خود را وقف انقلاب و مبارزه در راه پیروزی در راه پیروزی کمونیسم کرده به مدت بیست و شش سال دبیر اول حزب زحمتکشان ویتنام بود.

له دوان در ۷ آوریل ۱۹۵۷ در منطقه ای در مرکز ویتنام به نام "تریونان" متولد شد. او از همان اوان جوانی در جنبشهای انقلابی و ضد استعماری خلق ویتنام شرکت کرد. وی در ۱۹۷۸ به "الحسن جوانان انقلابی ویتنام" که علیه استعمار فرانسه و دولت دست نشانده اش پیکار می کرد، پیوست.

بقیه در صفحه ۱۱

## گرامی بادیاد شهدای مرداد

\* محمد صفاری آشتیانی \* فرا مرز شریفی \* مهدی فضیلت کلام \* فرخ سپهری \* غلامرضا بانژاد \* عباس جمشیدی رودباری \* حسین اللهیاری \* زین العابدین رشتچی \* ونداد ایمانی \* جها نبخش پایداری \* زهرا فرمانبردار \* مرتضی (امیر) فاطمی \* سعید میرشکاری \* هرمز گرجی بیانی \* یوسف کشی زاده \* یعقوب (امیر) تقدیری \* ابوالقاسم رشوند سرداری \* مسعود جعفرپور \* محمد رسول عزیزیان \* جمشید پور قاسمی \* ایوب ملکی \* عظیم رستمی \* مهدی یوسفی \* جمیل اکبری آذر \* گودرز همدانی \* داریوش شفاثیان \* فرزاد صیامی \* عباسعلی شریفیان \* هادی حسین زاده کرمانی \* قدرت الله (مجید) شاهین سخن \* عبدالکریم عبدالله پور \* ابراهیم جلالی \* جواد کاشی



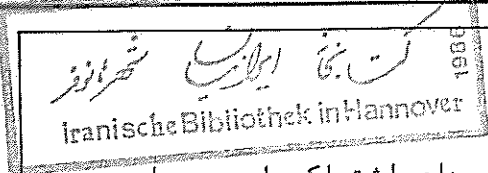
بمناسبت شهدای رفیق حمیدطهماسبی باکمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق حمیدطهماسبی (کاک محمود) عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته کردستان سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) در روز پنجشنبه نوزدهم تیرماه ۶۵ طی یک سانحه در ناکه، حین انجام وظیفه سازمانی به شهادت رسید.

رفیق حمیدطهماسبی از اوایل سالهای چهل مبارزه انقلابی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد و در سال ۵۳ دستگیر و در بیدادگاههای رژیم به هفت سال زندان محکوم شد. او در زندانهای رژیم شاه فعالیتهای سیاسی خود را پیگیری راندن دنبال کرد و به یکی از چهره های شناخته شده زندان تبدیل شد. پس از آزادی از زندان با تمام قوا در راه اعتلای جنبش کمونیستی کارگری ایران تلاش می کرد. رفیق حمید طی سالهای اخیر منشاء خدمات ارزنده ای در جنبش مقاومت خلق گردید. بویژه فعالیت او در کردستان برای ایجاد مناسبات اصولی و سالم میان نیروهای انقلابی تحسین انگیز است.

فقدان این رفیق مبارز را با گرامی داشت خاطر هاش، به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و جنبش کمونیستی ایران صمیمانه تسلیت می گوئیم.

حساب بانکی سازمان  
CREDIT LYONNAIS  
AGENCE GALAXIE-705  
N°: 202815 R  
M<sup>me</sup>. REZAIE, N  
PARIS - FRANCE

آدرس پستی:  
M. BEZAIÉ  
B.P. NO. 270  
75024 PARIS CEDEX 13  
FRANCE



برای آونمان " کار " بهای اشتراک رابه حساب سازمان واریز کرده و رسید آنرا به همراه فرم زیر به آدرس نشریه ارسال نمائید.

نام :

آدرس کامل : ( لطفا خوانا بنویسید )

اروپا	سایر نقاط		
معادل ۶ دلار	معادل ۸ دلار	* شش ماهه	
// ۱۰ دلار	// ۱۵ دلار	* یکساله	

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر